

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۳۱-۱۵۳

**تحلیلی بر تحول در میزان مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی:
مطالعه موردی روستاهای شهرستان تربت جام***
مرضیه نوری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۷

چکیده

تغییرات اجتماعی در عصر حاضر با سرعت و شدت بیشتری در حال گسترش بوده و از آن جمله تحول در نقش زنان در بخش کشاورزی است. هدف از تحقیق حاضر تحلیل تحول در میزان مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی بوده و منطقه مورد مطالعه روستاهای شهرستان تربت جام و روش پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی بود. حجم نمونه تحقیق ۳۹۰ نفر از زنان روستایی بوده، که در دو گروه زنان نوزده تا ۳۵ سال به عنوان نسل جوان و زنان بیش از پنجاه سال به عنوان نسل قدیمی و کهنسال انتخاب شدند. نتایج آزمون من‌ویتنی فرضیه تحقیق بیانگر آن بود که در سطح معنی‌داری کمتر از پنج درصد تفاوت معنی‌دار بین میزان مشارکت زنان در دو نسل جوان و قدیمی در فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) در سطح روستاهای شهرستان تربت جام وجود دارد و در این‌گونه

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی تحولات نقش زنان در اقتصاد روستا (مطالعه موردی: شهرستان تربت جام)» است که با حمایت دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۹۳ انجام شده است.
** استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور (marziehnoori@yahoo.com).

فعالیت‌ها، مشارکت نسل جوان کمتر است. بر همین اساس، افزایش سطح تحصیلات دختران مهم‌ترین علت کاهش میزان مشارکت زنان جوان در فعالیت‌های اقتصادی عنوان شد.

کلیدواژه‌ها: تغییرات اجتماعی، مشارکت اقتصادی، زنان، کشاورزی، تربت جام (شهرستان).

مقدمه

در عصر حاضر، با رشد فزاینده فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌های جمعی، روند بروز تغییرات اجتماعی از شدت و سرعت بیشتری برخوردار شده است. بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی زنان روستایی بیانگر بروز تغییرات گسترده در این قشر مهم اجتماعی است. برخی از این تغییرات عبارت‌اند از: افزایش تعداد دختران مجرد روستایی، افزایش سن ازدواج دختران و پسران روستایی، و زنا نه شدن مهاجرت از روستاها به مناطق شهری برای ادامه تحصیل و کار (فرهمندپور، ۱۳۹۳)؛ افزایش سطح سواد و تحصیلات زنان جوان به‌ویژه تا حد تحصیلات دانشگاهی، افزایش سطح توقعات و انتظارات نسل جوان زنان روستایی با توجه به افزایش سطح تحصیلات آنها و آگاهی از تفاوت‌های موجود، تغییر سلیقه‌های نسل جوان و در نتیجه، تغییر سبک زندگی روستایی، و شکل‌گیری قشری جدید از زنان به‌عنوان زنان خانه‌دار روستایی (زنجان‌زاده، ۱۳۹۳)؛ تغییرات زیاد در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به‌طور کلی، سبک زندگی در مناطق روستایی (ازکیا و حسینی رودبارکی، ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۴۴).

آنچه بیان شد، برخی از تغییرات اجتماعی است که در دهه‌های اخیر، شاهد بروز و ظهور آنها در مناطق روستایی می‌باشیم. ظهور این تغییرات گاه چنان سریع و گسترده بوده که هنوز بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان متوجه آن نشده و اگر هم متوجه شده‌اند، شدت و اثرات آن را به‌خوبی درک نکرده‌اند. این درحالی است که این تغییرات در آینده با سرعت و شدت بیشتری به‌وقوع خواهد پیوست (ازکیا و حسینی

رودبارکی، ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۴۴). یکی از تغییرات اجتماعی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، کاهش میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی روستاها بوده است. شاید بتوان علت کم توجهی بدین مسئله را در پایین بودن کیفیت فرصتهای شغلی زنان در مناطق روستایی (European Commission, 2000: 6)، انجام بیشتر کارهای زنان در قالب فعالیتهای خانوادگی بدون مزد و بالاخره، نبود آمار و اطلاعات دقیق از میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی دانست؛ زیرا همواره فعالیتهای زنان به دلیل مشکلات روش شناسی در پژوهشها و مشکلات اجرایی، نادیده گرفته شده و به طور منظم از آمار نیروی کار و درآمد ملی خارج می شود (برقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۹). البته طبق آمار سازمان ملل، تنها ارزش کارهای خانۀ زنان که بدون مزد انجام می شود، بین ده تا ۳۵ درصد تولید ناخالص جهان را تشکیل می دهد (عزیزی و آذرکمند، ۱۳۸۹: ۴). در واقع، اگر فعالیتهای بدون مزد زنان در امور اقتصادی را به حساب نیاوریم و در تمام کارهایی که آنها انجام می دهند، از کارگران روزمزد استفاده کنیم، هزینه زندگی خانوادههای کشاورز بسیار افزایش خواهد یافت (سجاسی قیداری و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱).

بر پایه اطلاعات جمع آوری شده، حدود ۴۳ درصد از نیروی کار کشاورزی در سطح جهانی و در کشورهای در حال توسعه را زنان تشکیل می دهند. البته این موضوع در بین کشورها و در داخل هر کشور با توجه به سن و طبقه اجتماعی زنان متفاوت است (SOFA Team and Cheryl Doss, 2011: 35). برای نمونه، سهم نیروی کار زنان در بخش کشاورزی از حدود بیست درصد در آمریکای لاتین تا بیش از پنجاه درصد در شرق و جنوب شرقی آسیا و جنوب صحرای افریقا متفاوت است (FAO, 2011: 7).

شایان یادآوری است که در ایران نیز آمار دقیق در مورد میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی در دست نیست؛ در عین حال، این میزان در مناطق مختلف کشور متفاوت است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). بررسیها نشان می دهد

که نواحی مرکزی و غربی ایران کمترین نرخ مشارکت زنان در نیروی کار را داراست، در حالی که مناطق شمالی کشور با معیشت عمدتاً مبتنی بر کشاورزی بالاترین نرخ مشارکت زنان را به خود اختصاص می‌دهند، به‌گونه‌ای که نرخ اشتغال زنان در بخش کشاورزی در استان گیلان ۲۹/۷ درصد و در استان مازندران ۱۵/۵ درصد بوده است (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

از آنجا که توجه به تحولات نقش زنان در اقتصاد روستایی به‌مثابه یک تغییر اجتماعی قابل توجه و تأثیرگذار در فرایند توسعه روستایی با محدودیت‌هایی مواجه بوده است، در تحقیق حاضر، برآن شدیم که به بررسی تحولات نقش زنان در بخش کشاورزی در مناطق روستایی کشور بپردازیم تا از این رهگذر، توجه محققان و مسئولان را بدین تغییر اجتماعی مهم جلب کنیم. منطقه مورد مطالعه در تحقیق حاضر روستاهای شهرستان تربت جام واقع در شرق استان خراسان رضوی و در کنار مرز ایران با افغانستان بوده است. مطالعه تغییرات نقش زنان در یک منطقه دورافتاده جغرافیایی که تأثیرپذیری آن کمتر از مرکز کشور است، از اهمیت خاص برخوردار بوده، می‌تواند نشان‌دهنده عمق تحولات اجتماعی و گستردگی آن در سطح کشور باشد. بدین منظور، میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف زراعی، باغی و دامی در دو نسل متفاوت بررسی و مقایسه شده است.

نگاهی به ادبیات موضوع تحقیق نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۱۹۷۰، نقش زنان در توسعه کشاورزی و روستایی مورد توجه بسیاری از سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه بوده است (Buvinic and Mehra, 1990: 5). در ایران نیز از اوایل دهه ۱۳۷۰، بدین موضوع توجه شده و فعالیت پژوهش‌هایی نیز در این راستا انجام گرفته است (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۱). در پی، شماری از این‌گونه پژوهش‌ها یادآوری شده است.

لهسایی‌زاده (۱۳۷۵) به بررسی نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران پرداخته و نتایج این پژوهش بیانگر آن است که سهم زنان در نیروی کار بخش کشاورزی بسیار بالاست؛ اما

چون عمده کار آنها در چارچوب کار خانوادگی بدون مزد است، ارزش افزوده کشاورزی توسط آنها درست محاسبه نمی‌شود.

دادورخانی (۱۳۷۵)، در رساله دکتری خود، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی را تبیین کرده و نتیجه گرفته است که اشتغال زنان از شرایط کشت و نیاز فصلی به نیروی کار تأثیر می‌پذیرد. فقر و نیاز خانوادگی باعث افزایش اشتغال زنان و برعکس افزایش درآمد خانوار باعث کاهش مشارکت آنها در بازار کار کشاورزی می‌شود. لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) نیز مشارکت اقتصادی زنان روستایی استان فارس را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که تحصیلات و سن زنان با مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصاد روستایی رابطه مثبت دارند. بر این اساس، بین سطح تحصیلات و درآمد مردان و مشارکت زنان رابطه معکوس وجود دارد.

پاسبان (۱۳۸۵) عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳ را مطالعه کرده، نشان می‌دهد که ارتباطی مثبت و مستقیم میان اشتغال زنان روستایی، توسعه‌یافتگی و سهم هزینه‌های دولت از تولید ناخالص داخلی و ارتباطی منفی میان مراحل اولیه توسعه‌یافتگی، نسبت ازدواج به طلاق، تعداد فرزندان متولدشده و هزینه خانوار وجود دارد.

صادقی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی پرداخته است. بر این اساس، زنان در امور زراعی و در مرحله برداشت، مشارکت بیشتری دارند. همچنین، زنان مسن‌تر که عمدتاً کم‌سوادترند و در خانوارهای پرجمعیت‌تر هم زندگی می‌کنند، در امور کشاورزی، مشارکت بیشتری دارند. فیروزآبادی و فرضی‌زاده (۱۳۸۸) وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که ساعات کار

کشاورزی زنان و دختران جوان نسل سوم کاهش یافته و نظام ارزشی-هنجاری آنها از تولید و کار به سوی مصرف و رفاه تغییر کرده است.

ازکیا و حسینی رودبارکی (۱۳۸۹) تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی را بررسی کرده و بدین نتیجه رسیده‌اند که سبک زندگی نسل اول و دوم متفاوت از نسل سوم است و تغییرات به افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی گرایش یافته است.

میرلطفی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی نقش کار پنهان زنان در سطح رفاه خانوار روستایی شهرستان هامون پرداخته و در نهایت، میانگین ارزش پولی کار پنهان زنان روستایی این منطقه در امور کشاورزی و دامداری را ماهانه حدود ۷۴۰ هزار تومان برآورد کرده‌اند. بر این اساس، با افزایش رفاه خانوار، کار پنهان زنان نیز افزایش می‌یابد.

باوینیک و مهرا (Buvinic and Mehra, 1990: 5)، در مطالعه‌ای با عنوان «زنان در بخش کشاورزی: توسعه چه می‌تواند بکند؟»، سابقه پژوهش در مورد نقش زنان در نظام‌های زراعی، تأثیر فناوری‌های جدید و پروژه‌های مرتبط با زنان را بررسی و در نهایت، راهکارهایی برای افزایش درآمد و مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان ارائه کرده‌اند.

لقمان و همکاران (Luqman et al., 2001: 32) به بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در منطقه‌ای در پاکستان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که روزانه هشت ساعت از وقت زنان به فعالیت‌های زراعی، دامی و منزل اختصاص دارد. بر این اساس، آموزش به‌مثابه بهترین راهکار برای بهبود نقش زنان در اقتصاد ملی عنوان شده است.

هانداراگاما و همکاران (Handaragama et al., 2013: 1) مشارکت زنان در توسعه روستایی در هند را بررسی کرده و بر این باور است که امروزه، با افزایش اشتغال زنان روستایی در بخش‌های خصوصی، دولتی و یا دستمزدی، نقش زنان در تأمین رفاه خانواده‌ها افزایش یافته است؛ اما هنوز مدیریت در منزل و مالکیت بر دارایی‌ها به مردان تعلق دارد.

در مجموع، بررسی پیشینه تحقیق نشان‌دهنده آن است که تنها در مطالعه لهسای زاده و همکاران (۱۳۸۴)، فیروزآبادی و فرضی‌زاده (۱۳۸۸) و ازکیا و حسینی رودبارکی (۱۳۸۹)، به‌طور مشخص، به کاهش نقش زنان در بخش کشاورزی اشاره شده است و بقیه مطالعات بیشتر در صدد تبیین نقش و جایگاه زنان در بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی بوده و به مسئله ایجاد تحولات در نقش زنان در دهه‌های اخیر توجه نکرده‌اند.

مبانی نظری

تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت‌زمان کوتاه به‌گونه‌ای که هر شخص معمولی نیز در تمام طول زندگی یا در طول دوره‌ای کوتاه از زندگی خود، می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب کند و نتیجه قطعی آن را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد (روشه، ۱۳۸۹: ۲۶). شایان یادآوری است که تغییر و تبدیل از ویژگی‌های کلیه فرهنگ‌های جهان است؛ با این همه، باید گفت که درجه تغییر در جوامع پیشرفته، ابتدایی، کشاورزی و صنعتی متغیر است (ویستا، ۱۳۹۳). نکته حائز اهمیت دیگر این است که میزان تغییر در عصر حاضر بیش از زمان‌های گذشته است (مور، ۱۳۸۸: ۶).

ابن‌خلدون دانشمند عرب قرن چهاردهم میلادی مدلی تاریخی برای فهم تغییرات ارائه کرده و معتقد است که برای فهم تغییرات لازم است محیط فیزیکی، ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصی افراد بررسی شود (Goodwin, 2008: 2). البته در مورد علل تغییرات اجتماعی و ایجاد شکاف بین‌نسلی نظریات مختلف وجود دارد، از آن جمله می‌توان به نظریه تعارض سنت و تجدد گیدنز (۱۹۳۸) اشاره کرد. وی منشأ دگرگونی در آرمان‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و باورداشت‌ها، اعتقادات، سبک زندگی و مانند اینها را تضاد بین سنت و مدرنیته می‌داند. به عقیده وی، ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر»، و «تغییر دائمی رسوم سنتی» است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵). وی بر این باور است که دگرگونی‌های

سازی و جاری در مدرنیته هم در گستره درونی و هم در گستره بیرونی آنها از همه اقسام تغییر در دوره‌های پیشین غنی‌ترند (کسل، ۱۳۸۳: ۳۹۷). همچنین، وی معتقد است که در طول نیم قرن گذشته، آهنگ دگرونی شتاب گرفته و ما بیش از هر نسل دیگر پیش از خودمان با آینده‌ای نامعلوم روبه‌رو هستیم (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۸۸). در واقع، گیدنز تفاوت میان نسل‌ها را یک امر طبیعی می‌داند که به دنبال تغییرات و دگرونی‌های ساختاری به وجود می‌آید و در جامعه نمود پیدا می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۰).

نظریه دیگری که در این زمینه وجود دارد، نظریه «تغییر در فرایند جامعه‌پذیری» هربرت مارشال مک‌لوهان (۱۹۷۹-۱۹۱۱) است. به باور او، زمانی که ما یک فناوری جدید را وارد جامعه‌ای می‌کنیم، آن جامعه را برای همیشه عوض کرده‌ایم و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازه‌ها، بیش از افراد مسن که افکار و عقایدشان شکل گرفته است، از این تغییرات تأثیر می‌پذیرند. بر اساس این رویکرد، تحولات سریع فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌ها آنها را در موقعیتی متفاوت با نسل پیشین قرار داده است. سرعت این تحولات روی زندگی، رشد و بلوغ جوان تأثیر گذاشته و روند جامعه‌پذیری را کاملاً دگروگون کرده است. به عقیده مک‌لوهان، اگرچه فناوری برآمده از ذهن و عمل انسان است، اما انسان هر عصر و دوره‌ای خود زاینده فناوری زمان خویش است. به دیگر سخن، هر فناوری، بشر را به تدریج در فضایی تازه قرار می‌دهد و هر فضای تازه عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت و زندگی بشر به‌شمار می‌رود (رحیمی، ۱۳۹۰). گیدنز نیز معتقد است که شتاب دگرونی در دوران معاصر را می‌توان با اشاره به میزان توسعه فناوری به‌آسانی نشان داد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۸۸). بر این اساس، گیدنز تغییرات و دگرونی‌های ساختاری ناشی از مدرنیته و مک‌لوهان گسترش فناوری‌های جدید را عوامل اصلی در بروز تغییرات اجتماعی و شکاف بین‌نسلی می‌دانند.

روش تحقیق

برای انجام تحقیق حاضر، به طور همزمان، از روش تحقیق کمی و کیفی بهره گرفته شد تا بتوان واقعیت‌های بیشتری را کشف کرد. بدین منظور، برای کسب اطلاعات اولیه، از روش تحقیق توصیفی و کتابخانه‌ای و به منظور تکمیل پرسشنامه، از روش تحقیق پیمایشی و میدانی بهره گرفته شد. در تحقیق حاضر، همچنین، به منظور کشف بهتر واقعیت‌ها از شیوه مشاهده، مصاحبه نیمه‌سازمان یافته و مصاحبه با افراد کلیدی، که از شیوه‌های روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) است، استفاده شده است. PRA روشی در نگاه به داده‌های روستایی، اولویت‌های مردم و آرزوها و توان‌های آنها برای مداخله در امور است (Kumar, 1993: 188). در واقع، این روش، مجموعه‌ای روش‌شناختی با ماهیتی کیفی و کاربردی است که سعی در شروع روند توسعه از درون جامعه یا گروه هدف دارد و متکی بر توان و ظرفیت گروه هدف در حل مشکلات خود است (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۸: ۲۲).

منطقه مورد مطالعه در تحقیق حاضر روستاهای شهرستان تربت جام در استان خراسان رضوی است. جمعیت این شهرستان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ بیش از ۲۶۲۷۱۲ نفر بوده که از آن میان، ۴۸ درصد در نقاط شهری و ۵۲ درصد در روستاها ساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). همچنین، بر اساس تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای پنج بخش و سیزده دهستان است (افضلی ابدال‌آباد، ۱۳۸۹: ۶۴).

جامعه آماری تحقیق تمامی زنان روستایی ساکن در مناطق روستایی شهرستان تربت جام بوده که جمعیت این افراد بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ معادل ۶۹۴۸۱ نفر بوده است. بر اساس رابطه کوکران، تعداد افراد نمونه در تحقیق حاضر ۳۸۲ نفر محاسبه شد که به منظور ارتقای سطح علمی کار، این تعداد به ۳۹۰ نفر افزایش یافت. افراد نمونه به روش تصادفی طبقه‌بندی شده در هفده روستا در سطح شهرستان انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار

گرفتند. شایان یادآوری است که در مطالعه حاضر، به منظور ارائه تحلیل بهتر از تحولات نقش زنان در اقتصاد روستاها، میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در دو نسل متفاوت بررسی شد. بدین منظور، گروه سنی نوزده تا ۳۵ سال به عنوان نسل جوان و گروه سنی پنجاه سال به بالا به عنوان نسل قدیمی و کهنسال مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفته‌اند. همچنین، برای سنجش متغیرها از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، برای تعیین روایی، از روش توافق داوران و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ (جدول ۱) نشان‌دهنده آن است که همه ابعاد مشارکت از روایی بالا برخوردارند. گفتنی است برای رتبه‌بندی داده‌های پرسشنامه با توجه به رتبه‌ای بودن متغیرها از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. همچنین، برای بررسی وضعیت توزیع داده‌های تحقیق، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد و با عنایت به نرمال نبودن توزیع داده‌ها، آزمون دو گروه مستقل من‌ویتنی برای آزمون فرضیه تحقیق به کار گرفته شد.

جدول ۱- نتایج آزمون آلفای کرونباخ

مشارکت	آلفای کرونباخ
زراعی	۰/۸۵۵
دامی	۰/۸۵۳
باغی	۰/۸۶۸
کل	۰/۹۱۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

از مجموع ۳۹۰ نفر نمونه تحقیق، حدود ۵۲ درصد دارای سنی کمتر از ۳۵ سال و ۴۲ درصد بیش از پنجاه سال داشتند. از نظر سواد، حدود ۳۵ درصد بی‌سواد، سی درصد دارای تحصیلات در حد ابتدایی یا نهضت سوادآموزی و بقیه دارای تحصیلات راهنمایی و بیشتر بودند.

«میزان مشارکت» متغیر وابسته تحقیق بوده و در جدول ۲، وضعیت افراد نمونه از نظر مشارکت در فعالیتهای زراعی به تفکیک گروه سنی ارائه شده است. همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان مشارکت زیاد و خیلی زیاد افراد نمونه در گروه جوان در مراحل درو، خشک کردن و علف‌چینی، به ترتیب، ۲۹، ۲۵ و ۲۴ درصد بوده است؛ اما میزان مشارکت نسل قدیم در همین فعالیتها معادل ۵۲، ۴۵ و ۴۴ درصد بوده که خیلی بیشتر از نسل جوان است. اختلاف مشارکت این دو نسل در این فعالیتها حدود بیست درصد است.

جدول ۲- میزان مشارکت افراد نمونه تحقیق در مراحل مختلف فعالیتهای زراعی

گروه‌های سنی	میزان مشارکت	بذرپاشی	نشاکاری	کودپاشی	علف‌چینی	درو	بسته‌بندی	فروش	خشک‌کردن
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کمتر از ۳۵ سال	خیلی کم	۱۵۰	۷۴/۳	۱۲۳	۶۰/۹	۱۶۱	۷۹/۷	۷۹	۳۹/۱
	کم	۳۱	۱۵/۳	۴۴	۲۱/۸	۲۶	۱۲/۹	۳۷	۱۸/۳
	متوسط	۱۶	۷/۹	۲۲	۱۰/۹	۱۲	۵/۹	۱۲	۵/۹
	زیاد	۴	۲	۱۱	۵/۴	۱	۰/۵	۲	۱/۰
	خیلی زیاد	۱	۰/۵	۲	۱/۰	۱	۰/۵	۲	۱/۰
بیش از ۵۰ سال	خیلی کم	۱۰۰	۵۳/۲	۱۰۵	۵۴/۳	۱۱۹	۶۳/۳	۴۱	۲۱/۸
	کم	۴۱	۲۱/۸	۳۴	۱۸/۱	۳۳	۱۷/۶	۲۴	۱۲/۸
	متوسط	۲۶	۱۳/۸	۲۶	۱۳/۸	۲۲	۱۱/۷	۲۲	۱۱/۷
	زیاد	۱۱	۵/۹	۱۲	۶/۴	۷	۳/۷	۷	۳/۷
	خیلی زیاد	۱۰	۵/۳	۱۴	۷/۴	۷	۳/۷	۷	۳/۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول ۳ نیز رتبه‌بندی میزان مشارکت زنان گروه‌های مختلف سنی در فعالیتهای زراعی به روش فریدمن آمده است. بر این اساس، در هر دو نسل، بیشترین میزان فعالیت به درو، کندن علف‌های هرز و خشک کردن محصولات اختصاص یافته است.

جدول ۳- رتبه‌بندی میزان مشارکت زنان گروه‌های مختلف سنی در فعالیت‌های زراعی

کل زنان نمونه تحقیق		زنان کمتر از ۳۵ سال		زنان بیشتر از ۵۰ سال	
فعالیت	میانگین رتبه	فعالیت	میانگین رتبه	فعالیت	میانگین رتبه
درو	۵/۹۱	درو	۵/۶۸	درو	۶/۱۶
کندن علف‌های هرز	۵/۵۸	کندن علف‌های هرز	۵/۴۸	کندن علف‌های هرز	۵/۶۹
خشک کردن	۵/۴	خشک کردن	۵/۲۹	خشک کردن	۵/۵۲
بسته‌بندی	۴/۳۸	بسته‌بندی	۴/۵۵	بسته‌بندی	۴/۲
نشاکاری	۳/۹۴	نشاکاری	۴/۱۳	نشاکاری	۳/۷۳
بذرپاشی	۳/۷	فروش	۳/۷۵	بذرپاشی	۳/۷۳
فروش	۳/۶۶	بذرپاشی	۳/۶۷	فروش	۳/۵۷
کودپاشی	۳/۴۲	کودپاشی	۳/۴۵	کودپاشی	۳/۳۹
تعداد افراد	۳۹۰	۲۰۲	۱۸۸		
کای اسکوتر	۸۹۸/۶۲۲	۳۲۰/۱۰۹	۵۸۶/۵۴۲		
درجه آزادی		۷			
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در جدول ۴، میزان مشارکت افراد نمونه تحقیق در فعالیت‌های باغی آمده است. بر این مبنای، میزان مشارکت زیاد یا خیلی زیاد افراد گروه جوان در فعالیت‌های میوه‌چینی، خشک کردن و بسته‌بندی به ترتیب معادل ۲۸، ۲۳ و ۱۸ درصد و در گروه زنان بیش از پنجاه سال برابر با ۳۸، ۳۷ و ۱۹ درصد بوده است. بر این اساس، میزان تفاوت مشارکت این دو گروه سنی در فعالیت‌های میوه‌چینی و خشک کردن حدود ده درصد است. همچنین، نتایج رتبه‌بندی میزان مشارکت افراد نمونه تحقیق در فعالیت‌های باغی در جدول ۵ نشان‌دهنده آن است که بیشترین مشارکت نسل جوان به ترتیب در فعالیت‌های میوه‌چینی، خشک کردن محصولات و بسته‌بندی بوده است. اما بیشترین مشارکت زنان مسن به ترتیب در فعالیت‌های میوه‌چینی، خشک کردن و کاشت نهال است.

جدول ۴- میزان مشارکت افراد نمونه تحقیق در مراحل مختلف فعالیت‌های باغی

گروه‌های سنی	میزان مشارکت	کاشت نهال	سم‌پاشی	هرس درختان	میوه‌چینی	بسته‌بندی	فروش خشک‌کردن
کمتر از ۳۵ سال	خیلی کم	۸۹	۴۴/۱	۱۵۰	۷۴/۳	۱۴۵	۷۱/۸
	کم	۷۳	۳۶/۱	۳۷	۱۸/۳	۳۶	۱۷/۸
	متوسط	۲۷	۱۳/۴	۱۰	۵	۱۵	۷/۴
	زیاد	۱۰	۵	۰	۰	۴	۲
	خیلی زیاد	۳	۱/۵	۵	۲/۵	۲	۱
بیشتر از ۵۰ سال	خیلی کم	۷۸	۴۱/۵	۱۱۵	۶۱/۲	۱۱۵	۶۱/۲
	کم	۴۳	۲۲/۹	۴۲	۲۲/۳	۲۵	۱۳/۳
	متوسط	۳۹	۲۰/۷	۱۸	۹/۶	۳۰	۱۶
	زیاد	۱۹	۱۰/۱	۹	۴/۸	۱۵	۸
	خیلی زیاد	۹	۴/۸	۴	۲/۱	۳	۱/۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵- رتبه‌بندی میزان مشارکت زنان گروه‌های مختلف سنی در فعالیت‌های باغی

کل زنان نمونه تحقیق	زنان کمتر از ۳۵ سال	زنان بیشتر از ۵۰ سال
فعالیت	فعالیت	فعالیت
میانگین رتبه	میانگین رتبه	میانگین رتبه
۵/۱۹	۵/۲۴	۵/۱۳
میوه‌چینی	میوه‌چینی	میوه‌چینی
۴/۷۱	۴/۵	۴/۹۵
خشک‌کردن	خشک‌کردن	خشک‌کردن
۴/۱۶	۴/۲۵	۴/۱۴
کاشت نهال	کاشت نهال	کاشت نهال
۳/۹۸	۴/۱۸	۳/۶۹
بسته‌بندی	بسته‌بندی	بسته‌بندی
۳/۴۲	۳/۴۴	۳/۴۱
فروش	فروش	فروش
۳/۳۲	۳/۲۶	۳/۳۹
هرس درختان	هرس درختان	هرس درختان
۳/۲۱	۳/۱۳	۳/۳
سم‌پاشی	سم‌پاشی	سم‌پاشی
تعداد افراد	۳۹۰	۱۸۸
کای اسکوئر	۴۷۳/۸۱۶	۲۳۰/۹۴۳
درجه آزادی	۶	۶
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

یکی دیگر از فعالیت‌های بخش کشاورزی فعالیت‌های دامی است. بررسی میزان مشارکت افراد نمونه در این بخش در جدول ۶ بیانگر آن است که بیشترین میزان مشارکت افراد نمونه گروه جوان در زمینه تهیه لبنیات و شیردوشی به ترتیب ۴۶ و ۴۶ درصد است. این میزان برای زنان مسن معادل ۸۲ و ۷۳ درصد بوده است. بر این مبنای، میزان تفاوت بین دو گروه در این فعالیت‌ها به ترتیب ۴۴ و ۳۳ درصد است.

جدول ۶- میزان مشارکت افراد نمونه تحقیق در مراحل مختلف فعالیت‌های دامی

گروه‌های سنی	میزان مشارکت	خریدوفروش دام		نظافت		چرای دام		شیردوشی		تهیه لبنیات	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کمتر از ۳۵ سال	خیلی کم	۱۶۴	۸۱/۶	۱۲۳	۶۰/۹	۱۲۷	۶۲/۹	۶۴	۳۱/۷	۳۹	۱۹/۳
	کم	۱۹	۹/۵	۲۹	۱۴/۴	۳۴	۱۶/۸	۳۱	۱۵/۳	۳۰	۱۴/۹
	متوسط	۱۲	۶	۱۸	۸/۹	۱۵	۷/۴	۲۷	۱۳/۴	۴۰	۱۹/۸
	زیاد	۳	۱/۵	۲۱	۱۰/۴	۱۴	۶/۹	۲۳	۱۱/۴	۲۷	۱۳/۴
	خیلی زیاد	۳	۱/۵	۱۱	۵/۴	۱۲	۵/۹	۵۷	۲۸/۲	۶۶	۳۲/۷
بیشتر از ۵۰ سال	خیلی کم	۱۰۸	۵۷/۴	۵۷	۳۰/۳	۷۷	۴۱	۱۷	۹	۵	۲/۷
	کم	۳۷	۱۹/۷	۲۸	۱۴/۹	۲۸	۱۴/۹	۱۳	۶/۹	۱۰	۵/۳
	متوسط	۲۱	۱۱/۲	۳۵	۱۸/۶	۳۰	۱۶	۲۰	۱۰/۶	۱۹	۱۰/۱
	زیاد	۱۲	۶/۴	۳۵	۱۸/۶	۲۵	۱۳/۳	۳۸	۲۰/۲	۳۵	۱۸/۶
	خیلی زیاد	۱۰	۵/۳	۳۳	۱۷/۶	۲۸	۱۴/۹	۱۰۰	۵۳/۲	۱۱۹	۶۳/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

رتبه‌بندی میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های مختلف دامی در جدول ۷ بیانگر آن است که بیشترین مشارکت افراد نمونه تحقیق در دو نسل مورد بررسی به ترتیب در زمینه تهیه لبنیات و شیردوشی و کمترین میزان مشارکت در خریدوفروش دام و چرای آن بوده است.

جدول ۷- رتبه‌بندی میزان مشارکت زنان گروه‌های مختلف سنی در فعالیت‌های دامی

زنان بیشتر از ۵۰ سال		زنان کمتر از ۳۵ سال		کل زنان نمونه تحقیق	
میانگین رتبه	فعالیت	میانگین رتبه	فعالیت	میانگین رتبه	فعالیت
۴/۹۶	تهیه لبنیات	۴/۹۸	تهیه لبنیات	۴/۹۷	تهیه لبنیات
۴/۴۶	شیردوشی	۴/۳۹	شیردوشی	۴/۴۲	شیردوشی
۳/۸	درست کردن مشک	۳/۱۳	درست کردن مشک	۳/۴۵	درست کردن مشک
۳/۰۲	نظافت طویله	۳/۰۷	نظافت طویله	۳/۰۴	نظافت طویله
۲/۷۵	چرای دام	۲/۹۹	چرای دام	۲/۸۷	چرای دام
۲/۰۱	خرید و فروش دام	۲/۴۵	خرید و فروش دام	۲/۲۴	خرید و فروش دام
۱۸۸		۲۰۱		۳۸۹	تعداد افراد
۴۳۹/۰۲۹		۴۲۳/۶۰۵		۸۷۳/۸۴۲	کای اسکوتر
		۵			درجه آزادی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج بررسی وجود تفاوت در میزان مشارکت بین دو نسل زنان

فرضیه تحقیق حاضر بیانگر آن است که بین دو نسل زنان روستاهای منطقه مورد مطالعه از نظر میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، دامداری و باغداری) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بر این اساس، فرض H_0 بیانگر عدم وجود تفاوت معنی‌دار و فرض H_1 بیانگر تفاوت معنی‌دار بین این دو نسل است. نتایج بررسی یادشده در جدول ۸ آمده است. بر این اساس، مقدار آماره U برای متغیرهای میزان مشارکت زراعی، باغی و دامی به ترتیب برابر با ۱۳۵۱۶/۰، ۱۵۳۵۹/۵ و ۹۴۱۱/۰ بوده و برای هر سه مورد، سطح معنی‌داری کمتر از آلفای ۰/۰۵ است، که نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین‌های محاسبه‌شده برای

دو گروه مورد مطالعه است. بر این مبنا، می توان گفت که بین میزان مشارکت زنان در فعالیت های مختلف زراعی، باغی و دامی در دو نسل جوان و قدیمی در روستاهای شهرستان تربت جام تفاوت معنی دار وجود دارد. بر همین مبنا و بر اساس جداول توصیفی ارائه شده، نسل جوان زنان نمونه تحقیق (کمتر از ۳۵ سال) در این منطقه نسبت به نسل کهنسال (بیش از پنجاه سال) مشارکت کمتری در فعالیت های مختلف زراعی، دامی و باغی دارند.

جدول ۸- نتایج آزمون من ویتنی

آماره	مشارکت در امور زراعی	مشارکت در امور باغی	مشارکت در امور دامی
من ویتنی (U)	۱۳۵۱۶/۰۰۰	۱۵۳۵۹/۵۰۰	۹۴۱۱/۰۰۰
ویلکاکسون (W)	۳۲۶۲۶/۰۰۰	۳۵۲۵۹/۵۰۰	۲۸۹۱۴/۰۰۰
آماره Z	-۴/۶۸۶	-۳/۰۶۰	-۸/۵۳۹
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

در پژوهش حاضر، همچنین، علت کاهش میزان مشارکت دختران و زنان جوان روستا در فعالیت های کشاورزی از نظر افراد شرکت کننده در تحقیق با بهره گیری از پرسشنامه و مصاحبه نیمه سازمان یافته و مشاهده بررسی شده است. نتایج حاصل از رتبه بندی فریدمن این عوامل در جدول ۹ نشان دهنده آن است که مهم ترین عامل کاهش میزان مشارکت زنان جوان در فعالیت های کشاورزی افزایش سطح تحصیلات آنهاست، که خود یک عامل فرهنگی و اجتماعی محسوب و باعث می شود که اولاً زنان جوان به علت درس خواندن دیگر برای حضور در فعالیت های اقتصادی روستا وقت کافی نداشته باشند و ثانیاً بعد از اتمام تحصیل نیز دیگر انجام فعالیت های کشاورزی را در شأن خود ندانند، به ویژه آنکه تحصیلات دانشگاهی داشته باشند.

جدول ۹- رتبه‌بندی علل کاهش تمایل دختران جوان به فعالیت‌های کشاورزی از نظر افراد نمونه با استفاده از آزمون فریدمن

میانگین رتبه‌ای	علل
۶/۹۳	افزایش سطح سواد و تحصیلات دختران
۶/۳۱	ماشینی شدن بسیاری از کارها
۵/۹۸	تمایل دختران به کارهای بیرون خانه و مدرن و غیرسنتی
۵/۷۷	افزایش روحیه تنبلی و کسالت در نسل جدید
۵/۵۱	پرشدن اوقات فراغت دختران با تلویزیون و ماهواره
۵/۲۲	کم بودن درآمد بخش کشاورزی و صنایع دستی
۴/۹۰	کمی سرمایه و منابع برای شروع کار جدید
۴/۸۳	افزایش سطح درآمد خانواده‌ها
۴/۷۹	افزایش مسئولیت زندگی و فرزندان در حال حاضر
۴/۷۶	دسترسی محدود دختران به کلاس‌های آموزشی و مهارتی
۹	تعداد افراد
۰/۰۰۰	کای اسکور
	درجه آزادی
	سطح معنی‌داری
	۳۹۰
	۳۸۳/۸۲۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دیگر عامل مهم کاهش میزان مشارکت زنان جوان در فعالیت‌های کشاورزی عامل فنی یا همان ماشینی شدن بسیاری از فعالیت‌های کشاورزی و کاهش نیاز به نیروی انسانی عنوان شده است. تمایل نسل جدید به کارهای بیرون از خانه و مدرن (کارهای اداری و دارای حقوق ثابت) نیز از دیگر کاهش میزان مشارکت زنان جوان در فعالیت‌های کشاورزی بوده، که خود بیانگر نفوذ فرهنگ شهری در مناطق روستایی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش حاضر بیانگر بروز تغییرات بین‌نسلی در میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان تربت جام است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، سطح مشارکت زنان نسل جوان نسبت به زنان نسل کهنسال در فعالیت‌های مختلف زراعی، باغی

و دامی کاهش یافته است. البته سطح کاهش مشارکت زنان نسل جوان در فعالیتهای مختلف کشاورزی یکسان نبوده و با توجه به داده‌های توصیفی به‌دست آمده، به‌ترتیب، بیشترین کاهش در فعالیتهای دامی، زراعی و باغی اتفاق افتاده است.

نکته قابل توجه این است که اگرچه نتایج تحقیق نشان‌دهنده کاهش مشارکت زنان جوان در فعالیتهای مختلف کشاورزی است، اما داده‌ها نشان می‌دهد که حدود ۲۷ درصد از زنان جوان کمتر از ۳۵ سال در فعالیتهای مختلف کشاورزی مشارکت متوسط تا خیلی زیاد داشته‌اند؛ این عدد برای نسل زنان بالای پنجاه سال، بیش از ۴۳ درصد بوده است.

شایان یادآوری است که اگر کاهش میزان مشارکت زنان جوان در فعالیتهای کشاورزی همراه با افزایش مشارکت آنها در سایر فعالیتهای اقتصادی در بخش صنعت و خدمات بود، این موضوع چندان جای نگرانی نداشت؛ اما بر پایه مشاهدات و مصاحبه‌های انجام‌شده، بیشتر افرادی که در بخش کشاورزی مشارکت نداشته یا مشارکت محدود داشته‌اند، در سایر بخش‌های اقتصادی نیز مشغول به کار نیستند. بر این اساس، می‌توان بر ادعای زنجانی‌زاده (۱۳۹۳) در ایجاد قشری جدید از زنان روستایی خانه‌دار که به هیچ کار دیگری به‌جز خانه‌داری نمی‌پردازند، صحنه گذاشت.

کاهش میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی به معنی تبدیل آنها از نیروی فعال تولیدکننده به نیروی انسانی مصرف‌کننده است. این مسئله اگر بر اساس تحقیق ازکیا و حسینی رودبارکی (۱۳۸۹) همراه با تغییر سبک زندگی و افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی باشد، اقتصاد خانواده و در نهایت، اقتصاد روستایی و ملی کشور را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد.

هرچند، بر اساس نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده، مهم‌ترین دلیل کاهش مشارکت زنان جوان در فعالیتهای کشاورزی افزایش سطح سواد و تحصیلات دختران و در نتیجه، افزایش توقعات آنها، ماشینی شدن بسیاری از فعالیتهای کشاورزی و تمایل دختران به

انجام کارهای بیرون از خانه و مدرن مطرح شد، اما این مسئله در تمامی مناطق روستایی تربت جام صادق نیست. بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته در منطقه صالح‌آباد تربت جام، که در نیمه شرقی این شهرستان و در کنار مرز افغانستان قرار دارد، یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش فعالیت زنان در بخش کشاورزی کمبود فرصت‌های شغلی در این بخش برای زنان به علت خشکسالی‌های مداوم و کمبود شدید آب در این منطقه بوده است. مطالعه یعقوبی (۱۳۹۳: ۱۲۷) نیز نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین مشکل این بخش از بُعد زیست‌محیطی، کمبود منابع آب و خشکسالی است.

بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- یکی از علل مهم کاهش مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی گسترش کشاورزی سرمایه‌بر و مکانیزه در سطح کشور است که خود نیاز این بخش به نیروی انسانی را کاهش می‌دهد، در عین حال، اشتغال در بخش کشاورزی عموماً فصلی است و حتی زنانی هم که در بخش کشاورزی مشارکت فعال دارند، در بسیاری از فصول کار زیادی برای انجام ندارند. از این‌رو، برای افزایش فعالیت اقتصادی زنان در مناطق روستایی، لازم است مسئولان و برنامه‌ریزان زمینه گسترش فرصت‌های شغلی در فعالیتهای جنبی بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی یعنی، صنعت و خدمات را در مناطق روستایی فراهم سازند.
- بر اساس مطالعات میدانی انجام‌گرفته، کمبود اعتماد به نفس، عدم درک فرصت‌های درآمدی موجود، عدم آینده‌نگری و برنامه‌ریزی و در مجموع، نداشتن روحیه کارآفرینی از نقاط ضعف جدی در بین زنان جوان این منطقه است. از این‌رو، با عنایت به اینکه کارآفرینی یک مهارت است و افراد باید آن را بیاموزند، پیشنهاد می‌شود که تمهیداتی برای برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی و آشنایی با زنان کارآفرین و نیز بازدید از

مراکز تولیدی نمونه در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی منطقه اندیشیده شود.

- بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، برخی از دختران و زنان جوان منطقه به انجام کارهایی در بیرون از منزل و به صورت جمعی علاقه مند بودند؛ تشویق این گروه از افراد به ایجاد تعاونی‌های تولیدی به ویژه در بخش صنایع دستی مانند فرت بافی (پارچه بافی) و قالی بافی علاوه بر افزایش اشتغال و درآمد زنان، باعث زنده شدن این دو هنر سنتی در سطح منطقه خواهد شد.
- سرانجام، با توجه به گستردگی و سرعت بالای تغییرات اجتماعی در جامعه و به ویژه در بین زنان روستایی در عصر حاضر و با عنایت به اثرات پیچیده و همه جانبه این تغییرات بر سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه، لازم است پژوهشگران، برنامه ریزان و سیاست گذاران بیش از پیش اهتمام ورزیده، به گونه‌ای جدی تر بدان بپردازند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۹)، «تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی». *رفاه اجتماعی*، شماره ۳۷، صص ۲۴۱-۲۶۴.
- افضلی ابدال آبادی. علی اصغر (۱۳۸۹)، *شناسایی فرصت‌های شغلی موجود در مناطق روستایی و راهکارهای افزایش آن (مطالعه موردی بخش نصرآباد شهرستان تربت جام)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، مرکز فریمان.
- مور، ویلبرت الیس (۱۳۸۸)، *تغییر اجتماعی*. ترجمه پرویز صالحی. تهران: سمت.
- برقی، حمید؛ قنبری، یوسف؛ حجاریان، احمد؛ و محمدی، منیره (۱۳۹۰)، «بررسی توزیع فضایی فعالیت‌های پایه‌ای اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی کشور». *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال ۹، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۹۳.
- بوذرجمهری. خدیجه؛ شایان، حمید؛ و صادقی، فخری (۱۳۸۸)، «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)». *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶.

- پاسبان، فاطمه (۱۳۸۵)؛ «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳)». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۵۳-۱۷۸.
- دادورخانی، فضیله (۱۳۷۵)، *جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان)*. رساله دکتری جغرافیای روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۵)، «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان». *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۰)، «شکاف نسلی در رویکردهای جامعه‌شناختی». قابل دسترسی در: <http://socialsciences.ir>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۳/۱۰/۱.
- روشه، گی (۱۳۸۹)، *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۹۳)، سخنران مدعو همایش، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۳ مهرماه ۱۳۸۳، مشهد.
- سجاسی قیداری، حمدالله و اسماعیلی، مهناز (۱۳۹۳)، «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان گل‌مکان شهرستان چناران)». *همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی*، ۲۳ مهر ۱۳۹۳، مشهد.
- صادقی، فرخ (۱۳۸۸)، *نقش زنان روستایی در توسعه بخش کشاورزی شهر بناب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- عزیزی، پروانه و آذرکمند، رزا (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال با تأکید بر ایران». *فصلنامه جغرافیایی آموزش*، شماره ۸، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- فرهمندپور، فهیمه (مشاور وزیر کشور در امور بانوان) (۱۳۹۳)، «تغییر الگوی مهاجرت به سمت زنان». قابل دسترسی در: <http://55online.ir/news/>
- فیروزآبادی، سیداحمدی و فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای وضعیت گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده (مطالعه موردی: روستای میانده از توابع شهرستان صومعه‌سرا- استان گیلان)». *توسعه روستایی*، شماره ۱ (پیاپی ۳۶)، صص ۳۵-۶۶.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ باغبانی، محمدرضا؛ غنیان، منصور؛ و قدیری معصوم، مطهره (۱۳۹۱)؛ «بررسی تطبیقی موانع مشارکت زنان روستاهای شمال و صلیحه استان خوزستان در برنامه‌های توسعه». *چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی*، سال ۷، شماره ۲۰، صص ۱-۲۰.

- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳)، *چکیده آثار آنتونی گیدنز*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صنوبری. تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران». *علوم اجتماعی و انسانی*، دانشگاه شیراز، دوره ۱۱، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۴۳-۶۶.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ جهانگیری، جهانگیر؛ و خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۲)، «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۴۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، *جمعیت و خانوار شهرستان‌های کشور بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*. تهران: مرکز آمار ایران.
- میرلطیفی، محمودرضا؛ بندانی، میثم؛ و شهرکی، سعیده (۱۳۹۲)، «بررسی نقش کار پنهان زنان در سطح رفاه خانوار روستایی، مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان هامون». *برنامه‌ریزی فضایی*، سال ۳، شماره ۳ (پیاپی ۱۰)، صص ۴۹-۶۸.
- وزارت کشاورزی (۱۳۷۸)، «نقش ترویج در توسعه روستایی». *خلاصه مذاکرات یک دوره آموزشی بین‌المللی* (۱۲ فوریه تا ۱۷ مارس ۱۹۹۸)، ترجمه دفتر هماهنگی پروژه بهسازی آبیاری.
- ویستا (۱۳۹۳)، «نظریه‌های تغییر اجتماعی». قابل دسترسی در: <http://vista.ir> تاریخ بازبینی: ۱۳۹۳/۱۰/۱.
- یعقوبی، مجتبی (۱۳۹۳)، *واکاوی چالش‌ها، موانع و راهکارهای توسعه روستاهای مرزی (مطالعه موردی: بخش صالح‌آباد شهرستان تربت جام)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور مرکز فریمان.
- Buvinic, Mayra and Mehra, Rekha (1990), *Women in Agriculture: What Development Can Do?* Washington, D.C.: International Center for Research on Women.
- European Commission (2000), "Women active in rural development: assuring the future of rural Europe". European Commission Directorate-General for Agriculture. Available on: <http://europa.eu.int>.
- FAO (2011), "The state of food and agriculture: women in agriculture closing the gender gap for development". Available on: <http://www.fao.org/>.

-
- Goodwin, Robin (2008), "Changing relations: achieving intimacy in a time of social transition". Cambridge University. Available on: <http://assets.cambridge.Org>.
- Handaragama, Saman; Rathnayake, Hiruni; and Uluwaduge, Pradeep (2013), "Women's economic participation in rural development". *International Journal of Education and Research*, 1(8): 1-18.
- Kumar, Krishna (1993), *Rapid Appraisal Methods*. Washington D.C.: The World Bank Regional and Sectoral Studies.
- Luqman. Muhammad; Ashraf, Ejaz; Zakaria, Muhammad; Hussan, Yousuf; Munir Butt, Tahir; and Iftikhar, Naveed (2011), "Extent of rural women's participation in agricultural activities". *International Journal of Agricultural Management and Development (IJAMAD)*, 2(1): 25-32. Available on: www.ijamad.com.
- SOFA Team and Cheryl Doss (2011), "The role of women in agriculture". *Agricultural Development Economics Division, ESA Working Paper, FAO*, No. 11-02: 1-48. Available on: www.fao.org/economic/esa.